

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفسیر قرآن کریم

آیت الله علیدوست

جلسه چهارم: چهارشنبه ۱۴۰۲/۸/۳

تکمیل بحث گذشته (ذلک الکتاب لا ریب فیہ)

اشاره با «ذلک»: در رابطه با استعمال «ذلک» برای اشاره به کتاب گفته شده است: اشاره به قرآن کریم در بسیاری از آیات دیگر با «هذا» آمده است؛ لذا ممکن است اشاره در این آیه ناظر به کتاب قرآن کریم نباشد، بلکه مراتبی از آن اراده شده باشد. به بیانی دیگر قرآن مراتبی دارد که در این آیه اشاره به کتاب پیش روی ما نیست، بلکه به حقایق بالاتر آن است. چنانکه در حدیثی از امام صادق (ع) نقل شده است: «إِنَّ كِتَابَ اللَّهِ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءٍ: عَلَى الْعِبَارَةِ وَالْإِشَارَةِ وَاللِّطَائِفِ وَالْحَقَائِقِ. فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ وَالْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ وَاللِّطَائِفُ لِلْأَوْلِيَاءِ وَالْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِيَاءِ»^۱.

به نظر می رسد این گفته خلاف ظاهر آیه شریفه است و حمل آن بر خلاف ظاهر با وجود استعمال ذلک در اشاره به نزدیک، صحیح نیست. همچنین اشاره به دور برای بیان عظمت نیز استعمال شده است.

اطلاق کتاب به نوشته مدون: در اینکه آیا تدوین آیات و سوره های قرآن کریم به شکل موجود، در زمان پیامبر اکرم (ص) به صورت کامل انجام شده یا نه، اختلاف دیدگاه و بحث است. ممکن است هدایت هایی از سوی پیامبر اکرم (ص) در این باره صورت گرفته باشد، اما این هدایت ها کامل نبوده و پس

۱. ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۱۰۴.

از وفات آن حضرت تدوین کامل قرآن کریم به شکل کتاب موجود در عصر حاضر، انجام گرفته است. در صورت پذیرفتن این قول، همین مقدار در اطلاق لفظ کتاب کافی است. بدین بیان که حضرت می فرمودند هر آیه بعد از نازل شدن، قبل یا بعد از کدام آیه قرار گیرد و شکل کلی و تکمیل تدریجی قرآن کریم سبب اطلاق کتاب به آن است. هرچند تدوین کامل آن توسط امیرالمؤمنین (ع) و با اقداماتی از سوی خلفا انجام شد.

«هدی للمتقین»

«للمتقین» از سه کلمه «ل» و «ال» و «متقین» تشکیل شده است. «ل» برای اختصاص است و معانی دیگر مانند ملکیت، استحقاق، تعلیل و ... در این عبارت از قرآن کریم وجهی ندارد. در مواردی که لام اختصاص به کار می رود، ماقبل لام به مابعد آن اختصاص دارد. اختصاص لام در این آیه بدان معنا است که هدایت آن کتاب، اختصاص به متقین دارد. احتمال دیگری نیز در این باره وجود دارد؛ لام گاهی برای تقویت عمل شبه فعل یا مصدر به کار می رود تا این دو صیغه نیز بتواند مفعول داشته باشد و آن مفعول را (گرچه محلاً) نصب دهد. با این بیان، «هدی» اسم مصدر یا مصدر است و برای اینکه «متقین» مفعول آن واقع شود، لام تقویت پیش از متقین، آمده است.

«ال» در «المتقین» می تواند موصول به معنای «الذین» یا جنس یا استغراق یا عهد باشد. گرچه صحیح آن است که اگر ملزومی وجود نداشته باشد، «ال» جنس و برای بیان ماهیت در نظر گرفته شود، اما در این آیه وجه «موصول» بودن «ال» با توجه به اینکه متقین، اسم فاعل یا صفت مشبیه است، مناسب به نظر می رسد.

متقین می تواند اسم فاعل یا صفت مشبیه باشد. اسم فاعل به معنای «کسانی که تقوا پیشه می کنند» و انجام واجبات و ترک محرمات را انجام می دهند، حتی اگر فاقد روح تقوا باشند. صفت مشبیه به معنای «کسانی که حالت و ویژگی تقوا را دارند» می باشد؛ هرچند در مواردی نیز عمل آنان مخالف این حال باشد. معنای اول حدوثی و معنای دوم ثبوتی است.

در تبیین حدوث و ثبوت بیان شده که حادث، امری موقت و زودگذر و ثابت به معنای امری دائمی است؛ این بیان صحیح نیست. حقیقت آن است که حادث به معنای کار و فعل است، ولو دائمی یا برای

مدتی طولانی باشد. لکن ثبوت به معنای حالت است. لذا اینکه گفته شود فلانی خشم کرده است، در صدد بیان حدث و فعل است، اما اگر گفته شود فلانی «غَضوب» است، این گفته به معنای بیان حالت خشم در آن فرد است. ممکن است این حالت در مدتی کوتاه در او وجود داشته باشد و پس از مدتی برطرف شود، اما گوینده در صدد بیان حالت او است و نگاهی به فعلش ندارد.^۱

اختصاص صفت مشبیه به فعل لازم برای حاضر نیز صحیح نیست، بلکه گاهی صفت مشبیه از برخی افعال سه مفعولی ساخته می‌شود. بیان صحیح آن است که در صفت مشبیه توجه به فعل وجود ندارد و در مقام بیان حالت است، لذا آن فعل به شکل لازم و بدون در نظر گرفتن فعل و مفعول، در قالب صفت مشبیه بیان می‌شود؛ مانند آنکه گفته شود «زیدٌ معلّمٌ» برخلاف «زیدٌ معلّمٌ عمراً قواعد النّحو» که جمله اول در صدد بیان حالت زید بوده و جمله بیانگر حدث و فعل او است.^۲

با این توضیح و با توجه به بیان ویژگی‌های «متقین» در آیات بعد، اولویت در آن است که گفته شود: متقین در آیه شریفه «هدی للمتقین» صفت مشبیه است. لذا «الذین یتقون» مراد نیست بلکه «متقین» به معنای کسانی است که روح تقوا را دارند.

اشکال: اگر مراد از «کتاب» در این آیه شریفه، قرآن کریم باشد اشکالی با سه بیان ذیل مطرح است که قدمت این اشکال به هزار سال می‌رسد.

۱. کمال قرآن کریم در فرازمانی و فرامکانی بودن و هدایت تمام انسان‌ها است پس چرا هدایت قرآن کریم در این آیه به متقین اختصاص داده شده است؟

۲. در واقع و عالم خارج، قرآن کریم هدایت‌کننده افراد متحیر و راه‌گم کرده است، پس چرا می‌فرماید قرآن کریم تنها هدایت‌کننده متقین است؟

۱. شیخ عبدالکریم حائری (ره) می‌فرمود برخی افراد، عادل بدتر از شمر هستند. این افراد عادل فقهی هستند، اما افعالی غیراخلاقی بدتر از شمر انجام می‌دهند. ایشان نمونه‌هایی از افراد به ظاهر باتقوا و اهل نماز و مسجد ذکر می‌فرمود که اعمالی ظاهراً شرعی را در شکلی کاملاً غیراخلاقی مرتکب می‌شدند.

۲. ر.ک: علیدوست، سلسبیل فی اصول التجزیة و الإعراب.

۳. در آیات دیگر، قرآن کریم به عنوان «هدی للناس» معرفی شده است؛ این آیات چگونه با آیه شریفه مورد بحث قابل جمع است؟

پاسخ: برای حل این اشکال باید در «الکتاب» یا «لام» (پیش از المتقین) یا «متقین» یا «هدی» تصرف کنیم.